



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۲۴ جون ۲۰۲۴

نجیب سخی

دو فصل در اسلام!

اخيراً بالای یوتیوب با پروگرام شخصی باسم شفیع عیار برخوردیم. این شخص ملاها، اخوندها و دیگر وابستگان خرده پای مذهبی را وسیله قرار داده؛ نه تنها به وضعیت معاصر، بلکه به گذشته مردگان و بزرگان و اعتقادات مردم تاخت و تاز کرده و همه را مورد اهانت و پروئی قرار میدهد. عجب اینجاست کاین شخص در سطح ملاها و غلط گیریهای قرآن و حدیث باقیمانده؛ موضعگیری سالم تاریخی، علمی و عینی در زمینه ندارد.

در حقیقت مخاطب از یکطرف ذهنیگریها و روایات دروغین ملاها را میشوند، و از جانب دیگر تراوشات ذهنی جناب عیار، که همه را در یک خریطه ریخته و ندافی میکند.

جناب عیار؛ مکتب ملائی در کشور ما و خصوصیاتیکه شما با آنها برخورد میکنید، زیاده از صد و بیست سال عمر ندارند. اگر شما از جور ملاها؛ ازین صد و بیست سال آنطرفتر را توهین میکنید و دشنام میدهید؛ در حقیقت ناآگاهانه اجداد خود و ما را مورد تعرض قرار داده اید. آنچه مربوط باجداد خود شما می شود، هر برخوردی که میکنید مختار هستید؛ اما آنجا که اجداد دیگران مطرح هست؛ شما حق و اجازه ندارید که آن ها را نادان و بی خبر و ... بخوانید؛ زیرا در واقع شخص شما از تاریخ وطن، منطقه و اسلام واقف نیستید! بدین شرح خلاصه:

اسلام حاوی دو فصل است: فصل اول اسلام قبل استعماری و فصل دوم اسلام بعد استعماری. فصل اول: اسلام در منبع خود از دو اصل «علم و یقین» تشکیل شده بود. از اینجاست که بزرگانی چون ابن بطوطه، الفارابی ابن سینا، ابن رشد وووو... بوجود آمدند، که تمدن اسلامی را احداث کردند، و ترجمه به لاتین آثار این بزرگان در قرنهای پانزده و شانزده رنسانس را؛ در غرب دامن زد.

فصل دوم: اسلام بعد استعماری است، کاین اسلام تنها بر پایه «یقین» استوار است، یعنی علم و بینش علمی را از اسلام حذف کردند. جهت تأمین و تطبیق این دکترین در آخر قرن نوزده و شروع

قرن بیستم سه شعبه یا فرقه در اسلام بوجود آوردند، کز تضاد، برخورد و آمیزش اسلام با استعمار منشأ می‌گرفتند. این سه شعبه عبارتند از:

دیوبندی های شبه قاره هند (جمعیت العلمای پاکستان ادامه آنست)، اخوان المسلمین الازهر در مصر و وهابیه در شبه جزیره عربستان. البته این سه مدرسه قبل از ورود انگلیس وجود داشتند؛ اما انگلیس اداره آنها را در دست گرفته و همه را بافزار اجرائی مقاصد خود تبدیل نمود.

این سه شعبه در واقعیت وارسته و پی آمد یک دیدگاه هستند، که در سه منطقه جغرافیائی متفاوت بنامهای جداگانه ترویج شده اند. میکائیل باری مؤرخ فرانسوی میگوید: «تفاوت اساسی عقیدوی و نظری بین این سه دسته وجود ندارد» (سلطنت یاغیستان)

این سه فرقه در تجانس اصولی با استعمار؛ اسلام بعد استعماری را بوجود آوردند؛ زیرا اسلام ناب برمبنای علم و یقین بنا شده بود؛ اما این سازمانها علم را حذف کردند و تنها یقین را ترویج و تحمیل نمودند. آنچنانیکه استعمار هدایت داده بود؛ لهذا این اسلام بعد استعمار است!

مودودی از دیوبندیهای پاکستان، سیدقطب از اخوان مصر و رهبری عرب سعودی از وهابیت. این سه گروه کز ختم قرن نهم؛ تصرف مکتب دیوبند علیگهر هند در سالهای ۱۸۹۰-۱۸۹۵ م است؛ وهابیت از ۱۹۲۴ م حاکمیت پیدا میکند و اخوان مصر از پایان جنگ دوم تا ختم شوروی؛ این سه گروه بر قاعده و مخرج مشترکی استوارگردیده بودند، و آن؛ ضدیت با کمونیزم و هر نوع تحول اجتماعی غیر مذهبی دیگر!!

مثلاً در سال ۱۹۲۹ م محمد نادر که به پادشاهی افغانستان گماشته شد، مکتب و تحصیل را برای زنان و دختران ممنوع اعلان کرد. «دیده شود افغانستان در مسیر تاریخ جلد دوم»
یعنی حقوق انسان، حق و آزادی زن، آزادی بیان و...؛ تا ختم شوروی و کمونیزم برای جوامع اسلامی اصلاً مطرح نبود!!

اکثر جوامع اسلامی و مخصوصاً جامعه ما؛ در زندان وحشت و استبداد مذهبی تا همین اکنون محبوس هستند.

آیا جامعه افغانستان از دو قشر سلطنت و روحانیت تشکیل نشده بود، که تا امروز بعد از ختم قبیله محمدزائی که انگلیس آنها را بقدرت نصب کرده بود، سیدها و ملاها قدرت را در دست دارند.

اسلام بعد استعماری؛ مسلمان قرن بیست و یکم را چنان بیچاره، فقیر و بی خبر بار آورده است، که مجبور است مانند انسان قرن هفتم و هشتم میلادی، یعنی ابتدای اسلام؛ زندگی و سرنوشت خود را به قضا و قدر حواله کند؛ از اینجاست که افراد نیمه بی سواد و استفاده جو را زیرنام «عالم دین»

در رأس جماعت‌های مسلمانان جابجا میکنند، که منافع شخصی و طرز نگرش فرقه ئی این «**باصطلاح عالمان**» محک و معیار حلال و حرام در حیات روزمره امت مسلمان قرار گرفته است. عبادت را بحیث غلاف گناه های خود بکار میبرند، یکمقدار عبادت، یکمقدار گناه را خنثی میکند؛ شخص با رفتن به حج گناهان خود را میشوید؛ چنانکه در قرن پانزده در اروپا، کلیسای کاتولیک مردم بهشت میفروخت. در قرن بیست و یکم همین برخورد با فرد مسلمان صورت میگیرد!! در نتیجه عمالنامه شخص در آخر کار سفید و مبرا بدر می شود؛ لهذا بازار تقلب، ریا، تخلف، دروغ، دزدی، احتکار و ... را چنان گرم نموده اند، که در تاریخ جامعه اسلامی چنین رونق نداشته! در اینکه شما اعمال این «**علمای دروغین**» را تشحیر میکنید، امر نیکی است؛ اما در ریشه موضوع پایان نمیشوید؛ هر جا که پای انگلیس و غرب در میان می آید؛ شما قدمی عقب نشینی میفرمائید، کاین سخت مایه تأسف است! یعنی شما با اسلام بعد استعمار مبارزه و ستیزه میکنید؛ اما با خود استعمار مسامحه و حتی موافقه میکنید.

انتهی